

## The Institutional and Functional Transformation of the Red Crescent Society in the Ottoman Empire until the End of the First World War

Mahdi Vazini Afzal<sup>1</sup>, Mahdi Dehghani<sup>2</sup>

### Abstract

The present study examines the formation and evolution of the Ottoman Red Crescent Society, the first example of the Red Crescent in the world, and its role in war, social relief, and natural disaster management. The main question of the study is how the political and social conditions of the Ottoman Constitutional period and the wars in the second half of the 19<sup>th</sup> century influenced the formation, growth, and activities of the Red Crescent. The Ottoman Red Crescent was an institution based on Islamic tradition, formed in response to the establishment of the European Red Cross, and it developed its activities in battlefields and relief efforts. The research method in the present study was historical, and data were collected through library research, including written sources, archival documents, and related materials in Turkey. Findings show that during the first fifty years of its activity, the Ottoman Red Crescent experienced significant growth despite the political pressures of Sultan Abdul Hamid II's autocratic

---

1 Assistant Professor, Department of History, University of Jiroft. (Corresponding Author). [drmahdivazin@gmail.com](mailto:drmahdivazin@gmail.com)

2 Assistant Professor, Department of History, University of Jiroft. [mehdi.dh82@yahoo.com](mailto:mehdi.dh82@yahoo.com)

Received: September 12, 2025 - Accepted: November 4, 2025



This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

period. The continuous presence of this institution in battlefields led to the evolution of its organizational structure, diversification of financial resources, and increased experience in providing relief services. In addition to wartime activities, the Red Crescent played an important role in responding to natural and human-made disasters such as fires, earthquakes, floods, and diseases, and its performance significantly influenced public opinion in the Islamic world. This influence paved the way for the formation of similar organizations in other Islamic countries.

**Keywords:** Ottoman, Red Crescent, Formation and Evolution, Red Cross, First World War.



## تحول نهادی و کارکردی جمعیت هلال احمر در امپراتوری عثمانی تا پایان جنگ جهانی اول

مهدی وزینی افضل<sup>۱</sup>، مهدی دهقانی<sup>۲</sup>

### چکیده

این پژوهش به بررسی شکل‌گیری و تحول جمعیت هلال احمر عثمانی، نخستین نمونه هلال احمر در جهان و نقش آن در عرصه‌های جنگی، امدادسانی اجتماعی و مدیریت بحران‌های طبیعی می‌پردازد. مسئله اصلی پژوهش، چگونگی تأثیر شرایط سیاسی و اجتماعی دوران مشروطیت عثمانی و جنگ‌های نیمه دوم قرن نوزدهم بر شکل‌گیری، رشد و فعالیت‌های هلال احمر است. هلال احمر عثمانی، یک نهاد مبتنی بر سنت اسلامی بود که در پاسخ به تشکیل صلیب سرخ اروپایی شکل گرفت و فعالیت‌های خود را در میادین جنگ و امدادسانی توسعه داد. رویکرد پژوهش تاریخی بوده و داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای گردآوری شده‌اند که شامل منابع کتبی، اسناد آرشیوی و مدارک مرتبط در ترکیه است. یافته‌ها نشان می‌دهند که طی پنجاه سال نخست فعالیت، هلال احمر عثمانی با وجود فشارهای سیاسی دوره استبداد سلطان عبدالحمید دوم، رشد قابل توجهی داشت. حضور مداوم این نهاد در میادین جنگی، منجر به تحول ساختار تشکیلاتی، تنوع منابع مالی و افزایش تجربه امدادسانی شد؛ علاوه بر فعالیت‌های جنگی، هلال احمر نقش مهمی در پاسخ

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه جیرفت، کرمان، ایران (نویسنده مسئول). [drmahdivazin@gmail.com](mailto:drmahdivazin@gmail.com).

۲. استادیار گروه تاریخ دانشگاه جیرفت، کرمان، ایران. [mehdi.dh82@yahoo.com](mailto:mehdi.dh82@yahoo.com).

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۲۱ - تاریخ تأیید: ۱۴۰۴/۰۸/۱۳



This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

به حوادث طبیعی و انسانی مانند آتش‌سوزی، زمین‌لرزه، سیل و بیماری ایفا کرد و عملکرد آن تأثیر قابل توجهی بر افکار عمومی جهان اسلام گذاشت. این تأثیر، زمینه‌ساز شکل‌گیری سازمان‌های مشابه در سایر کشورهای اسلامی شد.

**واژه‌های کلیدی:** عثمانی، هلال احمر، شکل‌گیری و تحول، صلیب سرخ، جنگ جهانی اول.

#### ۱. مقدمه

جنگ‌های ممتد در اروپا و بحران‌های انسانی ناشی از آن، بسیاری از کنشگران مدنی را به فکر ایجاد مؤسساتی برای حمایت از سربازان مجروح و آوارگان جنگی انداخت. تا اواسط قرن نوزدهم، هیچ نهاد امن و سازمان‌یافته‌ای برای حمایت از مجروحان جنگی وجود نداشت. مشاهده وضع اسفبار سربازان مجروح در جنگ‌های استقلال ایتالیا توسط هانری دونان، تاجر سوئیس، زمینه‌ساز شکل‌گیری تفکر ایجاد یک نهاد بی‌طرف امدادی و تدوین معاهدات بین‌المللی برای تضمین جان مجروحان، پزشکان و بیمارستان‌های امدادی شد (Turkish Red Crescent General Headquarters, 1974: 23). در سال ۱۸۶۳م، «انجمن رفاه عمومی ژنو» به پاس بازتاب درخواست‌های دونان، کمیته‌ای برای حمایت از مجروحان جنگی ایجاد و دولت سوئیس با برگزاری اولین کنفرانس بین‌المللی ژنو، کشورهای اروپایی را به ایجاد یک سازمان متحد تشویق کرد (Uzlu, 1964: 6). نتیجه مذاکرات دیپلماتیک، شکل‌گیری «کمیته بین‌المللی امداد به مجروحان» در سال ۱۸۶۴م با امضای شانزده دولت اروپایی بود (Dunant, 1964: 74).

این کمیته به‌عنوان یک سازمان بی‌طرف با رعایت اصول مصونیت بیمارستان‌ها، نیروهای امدادی و پرسنل پزشکی و با نماد پرچم سوئیس فعالیت خود را آغاز کرد (Schindler, 1988: 230-231). به تدریج، با پیوستن کشورهای دیگر و گسترش دامنه اختیارات کمیته به جنگ‌های دریایی، نفوذ آن در سطح بین‌المللی افزایش یافت. دولت عثمانی اولین کشور مسلمان بود که در ۵ ژوئیه ۱۸۶۵م به این کمیته پیوست و آیین‌نامه آن را پذیرفت؛ زیرا آن را با حاکمیت خود در تضاد نمی‌دید (Midhat, 1879, 29-39).

1. Geneva Society for Public Welfare
2. International Committee for Relief to the Wounded

نخستین کنگره بین‌المللی کمیته در سال ۱۸۶۷م در پاریس برگزار شد و دکتر عبدالله بیگ از جانب عثمانی در کنفرانس حضور یافت و مسئولیت راه‌اندازی تشکیلات انجمن در عثمانی به او محول شد. روندی که بعدها منجر به ایجاد تشکیلات مشابهی تحت عنوان هلال احمر شد (Unat, 1987: 144).

## ۲. بیان مسئله

تحول نهادی و کارکردی «جمعیت هلال احمر عثمانی» از نیمه دوم قرن نوزدهم تا پایان جنگ جهانی اول، یکی از مهم‌ترین نمونه‌های نهادسازی مدنی در جوامع اسلامی است که در تعامل با ساختار قدرت سیاسی، تحولات اجتماعی و جریان‌های فکری دوران تنظیمات و مشروطیت شکل گرفت. این نهاد، نخستین نمونه سازمانی از «هلال احمر» در جهان اسلام بود که با الهام از اصول «صلیب سرخ بین‌المللی» و در عین حال با تمایز فرهنگی و مذهبی خاص خود، به تدریج به یک نهاد امدادی فراگیر بدل شد.

پیشینه تاریخی نشان می‌دهد که شکل‌گیری نهادهای امدادی در غرب، متأثر از تجربه‌های تلخ جنگ‌های اروپا و دغدغه‌های بشردوستانه بود، اما در عثمانی، این روند با ملاحظات سیاسی، مذهبی و نهادی همراه شد. در دهه‌های پایانی قرن نوزدهم، دولت عثمانی با بحران‌های متعدد از جمله جنگ‌های بالکان، جنگ با روسیه و شورش‌های قومی مواجه بود. در چنین شرایطی، شکل‌گیری و تداوم فعالیت‌های هلال احمر نه تنها تابع شرایط جنگی، بلکه بازتابی از فرآیند «تحول نهادی» در ساختار دولت و جامعه عثمانی محسوب می‌شود؛ با وجود اهمیت تاریخی و تأثیر گسترده هلال احمر عثمانی در زمینه‌های امداد رسانی، پزشکی نظامی، مدیریت بحران‌های طبیعی و اجتماعی و نیز الهام‌بخشی آن برای کشورهای اسلامی دیگر، پژوهش‌های اندکی به بررسی جامع و تطبیقی «تحول نهادی و کارکردی» آن پرداخته‌اند.

مطالعات مربوط به «جمعیت هلال احمر عثمانی» از اوایل قرن بیستم تا امروز، در قالب منابع تاریخی، گزارش‌های رسمی و پژوهش‌های دانشگاهی متعددی منتشر شده است. نخستین روایت‌های تاریخی را خود جمعیت در نشریات رسمی و گزارش‌های سالانه‌اش، همچون Salname-i Hilal-i Ahmer (سالنامه هلال احمر) و خاطرات اعضای مؤسس

چون Dr. Besim Ömer Paşa و Osman Saib Bey ارائه کرده است. این متون، اگرچه حاوی اطلاعات ارزشمندی درباره ساختار و فعالیت‌های اولیه جمعیت هستند، اما عمدتاً جنبه توصیفی و مدح‌آمیز دارند و کمتر به تحلیل علل نهادی و اجتماعی شکل‌گیری این سازمان پرداخته‌اند.

در پژوهش‌های معاصر، آثار محققانی چون (Akgün 2000)، (Özaydın و Ada 2004) و (1987) سهم مهمی در بازسازی تاریخ هلال احمر عثمانی داشته‌اند. آگون با تمرکز بر روابط بین‌المللی جمعیت، نشان می‌دهد که پیوستن عثمانی به کنوانسیون ژنو و تأسیس «جمعیت عثمانی برای امداد مجروحان جنگ» در ۱۸۶۸، پاسخی به نیاز دولت برای مشروعیت‌بخشی بین‌المللی بود. آدا نیز در پژوهش خود تحول نام و ساختار این جمعیت از Osmanlı Hilal-i Ahmer تا Osmanlı Yaralı ve Hasta Askerlere Yardım Cemiyeti را به‌عنوان بازتابی از ملی‌گرایی و اسلام‌گرایی متأخر عثمانی تحلیل می‌کند؛ با این حال، این پژوهش‌ها عمدتاً بر جنبه تاریخی یا حقوقی متمرکزند و از منظر جامعه‌شناسی نهادها یا نظریه‌های تحول نهادی به مسئله نگریسته‌اند.

در دهه‌های اخیر، برخی پژوهشگران ترک و غربی کوشیده‌اند نقش هلال احمر را در چهارچوب تحول جامعه مدنی در عثمانی متأخر بررسی کنند؛ به‌ویژه آثار Hasan Kayalı (1997)، Carter Findley (2010) و Şerif Mardin (2006) با طرح مفهوم «فضای عمومی عثمانی» زمینه نظری مناسبی برای فهم جایگاه نهادهای مدنی از جمله هلال احمر فراهم کرده‌اند. این آثار نشان می‌دهند که رشد نهادهایی چون هلال احمر، مدرسه پزشکی نظامی و انجمن‌های خیریه زنان، نشانه‌ای از گسترش مشارکت اجتماعی و شکل‌گیری تدریجی «جامعه مدنی نوظهور» در درون ساختار استبدادی امپراتوری بود؛ باوجوداین، پیوند میان این روند کلان و تجربه خاص هلال احمر هنوز به‌صورت نظام‌مند واکاوی نشده است.

در پژوهش‌های فارسی نیز، مطالعات مستقیم درباره هلال احمر عثمانی بسیار محدود است. اغلب آثار فارسی، مانند پژوهش‌هایی درباره شکل‌گیری جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران در عصر قاجار و پهلوی اول، از جمله کارهای محمدعلی همایون کاتوزیان و ایرج افشار، از هلال احمر عثمانی به‌عنوان الگو یاد کرده‌اند، اما به بررسی مستقیم ساختار و

## تحول نهادی و کارکردی جمعیت هلال احمر در امپراتوری عثمانی تا پایان جنگ جهانی اول | ۳۱

تحول نهادی آن نبرداخته‌اند؛ در نتیجه، با وجود انبوه منابع تاریخی، هنوز جای خالی پژوهشی تحلیلی و بین‌رشته‌ای درباره‌ی تحول نهادی و کارکردی جمعیت هلال احمر عثمانی احساس می‌شود؛ پژوهشی که بتواند این نهاد را در بستر مفاهیمی چون «نوسازی دولتی»، «جامعه‌مدنی اسلامی» و «تطبیق میان سنت و مدرنیته‌ی نهادی» تحلیل کند. این خلأ دانشی، ضرورت مطالعه‌ی حاضر را توجیه می‌کند.

با توجه به اهمیت تاریخی و عملکردهای متنوع هلال احمر عثمانی، این پژوهش در پی بررسی چگونگی شکل‌گیری و تداوم این نهاد در نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم است، به‌ویژه اینکه چگونه تعامل میان سیاست‌های دولتی، جریان‌های فکری تجددخواه و سنت‌های اسلامی خیرخواهانه زمینه‌ساز تأسیس و توسعه‌ی آن شد و ساختار و کارکردهای اولیه‌اش تحت تأثیر بحران‌های نظامی و اجتماعی، از جمله جنگ‌های بالکان، طرابلس و جنگ جهانی اول، دچار تحول شد؛ همچنین بررسی می‌شود که چگونه فشارهای دوره‌ی عبدالحمید دوم و فرصت‌های مشروطیت دوم بر فرآیند نهادینه‌سازی، مشارکت زنان و اقشار تحصیل‌کرده و حرفه‌ای‌شدن فعالیت‌های امدادی و مدیریتی جمعیت هلال احمر اثر گذاشت.

بر این اساس، فرض می‌شود شکل‌گیری و تداوم هلال احمر عثمانی محصول تعامل سه‌گانه میان سیاست دولتی، اندیشه‌ی تجددخواهی و سنت‌های اسلامی، تحولات نهادی در دوره‌ی مشروطیت، تجربه‌های بحران‌های جنگی و مشارکت گسترده‌ی اجتماعی بوده و این تجربه نه تنها موجب ارتقای کارکردهای امدادی و مدیریتی جمعیت شد، بلکه الگویی مؤثر برای سایر کشورها در جهان اسلام ایجاد کرد.

### ۳. تشکیل کمیته‌ی امداد به مجروحین در عثمانی

در سال‌های آغازین، دولت عثمانی توجه چندانی به کمیته‌ی بین‌المللی امداد به مجروحان نظامی نشان نمی‌داد و مسائل مطرح‌شده در آن را با وضعیت عملی جبهه‌ها نامربوط می‌دانست؛ با این حال، گروهی از پزشکان عثمانی که در غرب تحصیل کرده و با معیارهای نوین پزشکی آشنا بودند، تصمیم گرفتند تشکیلاتی مشابه در خاک عثمانی ایجاد کنند. با پیگیری‌های مستمر

عبداله بیگ و حمایت شماری از شخصیت‌های برجسته سیاسی از جمله سردار اکرم عمرپاشا و سلطان عبدالعزیز، در سال ۱۸۶۸م طرح «کمیته یاری و امداد به مجروحین نظامی» ارائه شد و در سال بعد در استانبول به مرحله اجرا رسید و مارکو پاشا، وزیر بهداشت عثمانی، به ریاست این کمیته منصوب شد (Midhat, 1879: 58-59). این کمیته دارای ۶۶ عضو بود که ۴۳ نفر از آنان پزشکان برجسته عثمانی بودند؛ بدین ترتیب، سنگ بنای تشکیلاتی نهاده شد که بعدها به نام «هلال احمر» شناخته شد.

دولت عثمانی در آن زمان در «دوره تنظیمات» به سر می‌برد؛ دورانی که طی آن دستاوردهای غرب به‌مثابه الگو توسط روشنفکران مورد توجه قرار می‌گرفت. در چنین فضایی، حمایت ضمنی طبقه تحصیل کرده و همسر سلطان عثمانی، موجب شد انجمن تازه‌تأسیس از پشتوانه‌های سیاسی و مالی برخوردار شود. پژوهشگران ترک این کمیته را نخستین سازمان مدنی نوین در تاریخ عثمانی معرفی می‌کنند (Ada, 2004: 7). با تشکیل کمیسیون ویژه، آیین‌نامه کمیته تدوین و تصویب شد. این آیین‌نامه بر تسکین درد مجروحان جنگی، حضور زنان، آموزش حرفه‌ای پرسنل، گسترش کمیته به ایالات مختلف عثمانی و پذیرش مفاد کنفرانس‌های ژنو و پاریس تأکید داشت (Henri, 1964: 8). کمیته همچنین روزنامه‌ای با عنوان «روزنامه پزشکی شرق» منتشر کرد تا اهداف و وظایف خود را به اطلاع عموم برساند (Ömer, 2009: 16-17). طراحان این تشکیلات بر این باور بودند که کمیته آنان با کمیته بین‌المللی امداد به مجروحان تضادی ندارد و هر دو در مسیر حفظ کرامت انسانی گام برمی‌دارند.

عبداله بیگ آیین‌نامه را به ژنو ارسال کرد و در کنفرانس برلین سخنرانی کرد تا اهداف دولت عثمانی از این کمیته در سطح بین‌المللی نیز مطرح شود (Turkish Red Crescent General Headquarters, 1974: 12-15). باین‌حال، از همان آغاز حساسیت‌هایی نسبت به کمیته شکل گرفت. روحانیون محافظه‌کار با حضور زنان مخالفت کرده و آن را مغایر اصول اسلامی می‌دانستند و نظامیان عثمانی نیز این نهاد را دخالت غیرنظامیان در امور نظامی تعبیر می‌کردند. در پی این مخالفت‌ها، کمیته در سال ۱۸۷۴م منحل شد (Türkiye Kızılay

1. Mecruhin ve Marda-yı Askeriyeye İmdatve Muavenet Cemiyeti
2. Gazette Medicald'Orient

(Derneği, 1950: 21). اما پایه‌های اصلی تشکیلات آینده، که بعدها به نام هلال احمر شناخته شد، همچنان پابرجا ماند.

در عرصه بین‌المللی، در سال ۱۸۷۶م و به احترام سوئیس، میزبان نخستین کنفرانس بین‌المللی، صلیب وسط پرچم این کشور به عنوان معیار انتخاب شد. از آنجا که در اروپا صلیب نماد خیریه شناخته می‌شد، نام کمیته رسماً به «کمیته بین‌المللی صلیب سرخ» تغییر یافت (Kızılay ve Kızılhaç'ın Milletlerarası Kaynakları, 1964: 24). این تصمیم بعدها منشاء منازعه میان جوامع مسلمان، از جمله عثمانی و جوامع مسیحی شد و بهانه‌ای فراهم آورد تا طرفداران پیوند پزشکی با غرب تحت فشار قرار گیرند و الگوی بومی خود را پایه‌ریزی کنند. دولت عثمانی بر این باور بود که صلیب سرخ جریان سیاسی - غربی است که منافع غرب را دنبال می‌کند و با معیارهای اسلامی هم‌خوانی ندارد؛ از این رو، باب عالی بیش از پیش توجه خود به این سازمان را کاهش داد (Ada, 2004: 11).

#### ۴. تشکیل هلال احمر عثمانی و عملکرد آن در جنگ با روسیه

با به قدرت رسیدن سلطان عبدالحمید دوم، عثمانیان در سال ۱۸۷۶م در بالکان درگیر جنگ شدند؛ جنگی که از هرزگوین آغاز شد و به سرعت به مناطق بوسنی، صربستان و بلغارستان کشیده شد. روسیه از گروه‌های ناسیونالیستی قومی که علیه حاکمیت عثمانی فعالیت می‌کردند حمایت کرد (Karal, 1983: 75). در طول این جنگ، صلیب سرخ به آسیب‌دیدگان صربستان و مونته‌نگرو کمک کرد و هم‌زمان به مجروحان عثمانی نیز یاری رساند.

صلیب سرخ با ارسال نامه‌هایی به استانبول، دولت عثمانی را مطلع کرد که این سازمان کاملاً بی‌طرف بوده و کمک‌ها به هر دو طرف ارائه خواهد شد (OHAC, 1329-1331 H, 26-27). عثمانیان با تأکید بر اینکه عملکرد صلیب سرخ باید فراتر از تفاوت‌های مذهبی و فرقه‌ای باشد، پایبندی به قواعد کنفرانس ژنو را مورد توجه قرار دادند، اما هم‌زمان یادآوری کردند که حساسیت‌های مذهبی و فرهنگی سربازان عثمانی نیز باید مدنظر قرار گیرد.

عثمانی‌ها به تدریج به این نتیجه رسیدند یک تشکیلات بهداشتی سازمان‌یافته و مستقل در مقابل سازمان صلیب سرخ ضروری است. تا بتواند در میدان‌های جنگ خدمات امدادی

مؤثر ارائه دهد و هم‌زمان نمونه‌ای نوین و الگویی الهام‌بخش برای سایر جوامع مسلمان باشد. امتناع ارتش عثمانی از به‌کارگیری پرچم صلیب سرخ نیز مزید بر علت شد تا ملی‌گرایان عثمانی با انتشار مقالاتی در مطبوعات، ایده‌ها و نام‌های متنوعی برای سازمانی مشابه صلیب سرخ مطرح کنند؛ درنهایت، بر اساس پیشنهاد دکتر کریملی عزیز بیگ، تصمیم گرفته شد همان الگویی که صلیب سرخ روی پرچم سوئیس داشت، روی پرچم عثمانی اجرا شود؛ یعنی هلال ماه قرمز روی زمینه سفید قرار گیرد (Özaydin, 1987: 44)؛ بدین ترتیب، در آوریل ۱۸۷۷م، نهاد جدید رسماً تحت نام «کمیته هلال احمر عثمانی» با مخفف OHAC تأسیس شد (Ibid: 28).

سلطان عبدالحمید دوم جمعیت هلال احمر را پذیرفت و تحت حمایت خود قرار داد. در اولین جلسه اعضای هلال احمر به تاریخ ۱۴ آوریل که در کاخ بشیکتاش برگزار شد، موجودیت آن توسط سلطان به رسمیت شناخته شد و حاجی عارف بیگ به ریاست آن منصوب شد.

تنها چند روز پس از تأسیس، جنگ مستقیم عثمانی و روسیه در آوریل ۱۸۷۷م آغاز شد. جمعیت هلال احمر در دوران نوزایی خود به‌سر می‌برد و برای چنین بحران بزرگی آماده نبود. این شرایط آزمونی جدی برای کسب تجربه در میدان جنگ بود. استانبول با ارسال آیین‌نامه هلال احمر به ژنو، خواستار به‌رسمیت‌شناختن آن به‌وسیله مجامع بین‌المللی شد. صلیب سرخ نیز این موضوع را به کشورهای مختلف ابلاغ کرد. دولت روسیه با وساطت صلیب سرخ اعلام کرد در صورت پذیرش و اجرای کامل مفاد کنفرانس ژنو به‌وسیله عثمانی‌ها، هلال احمر عثمانی را در میدان جنگ به رسمیت خواهد شناخت.

با تشکیل کمیته اجرایی هلال احمر در شرایط جنگی، جمع‌آوری کمک‌های مالی آغاز شد. تنها در مدت کوتاهی، حدود ۷۲ هزار لیره عثمانی از مسلمانان هند و شمال آفریقا و بخش قابل توجهی توسط سیاست‌مداران و خیرین عثمانی به هلال احمر کمک شد. تا پایان جنگ، ۶۱ هزار لیره از این کمک‌ها برای سربازان مجروح و آوارگان هزینه و باقی در بانک عثمانی ذخیره شد (Ryan, 1962: 139). ارتش عثمانی در طول جنگ با روسیه صدمات زیادی متحمل شد و بخش زیادی از قفقاز و بالکان را از دست داد. تعداد بالای

آوارگان و شیوع انواع بیماری‌های عفونی، شرایط امدادسانی را بحرانی‌تر کرده بود. با تمام مشکلات، هلال احمر عثمانی در طول ۱۰ ماه جنگ، ۲۷ بیمارستان ثابت و سیار ایجاد کرد و به حدود ۳۹ هزار بیمار رسیدگی کرد (Hilal-i Ahmer Raporu, Cilt: 3, 1877: 21-36). گزارش‌های بیمارستانی آن دوره نشان می‌دهد که بین ۲۴ تا ۲۶ درصد بیماران جان خود را از دست دادند. در میان این فوتی‌ها، تعدادی پرسنل بیمارستانی و پزشک نیز بودند. علت اصلی مرگ‌ها سوءتغذیه و بیماری‌های عفونی مانند سل، تیفوس و اسهال خونی بوده است (Yurdakul, 2019a: 108-111). پزشکان جوان عثمانی، که بسیاری از آنان در دانشگاه‌های غربی تحصیل کرده یا با پزشکی نوین آشنا بودند، در مراکز هلال احمر از روش‌های نوین برای جراحی آسپتیک<sup>۱</sup> و بیهوشی‌ها استفاده کردند و برای پانسمان از روش فنل<sup>۲</sup> که به نام اسید کربولیک<sup>۳</sup> نیز شناخته می‌شود بهره بردند. این امر به کاهش مرگ‌ومیر پس از جراحی کمک شایانی کرد (Yurdakul, 2019b: 519-521).

۵. تحولات هلال احمر عثمانی در بستر اقتدارگرایی عبدالحمید دوم و مشروطیت دوم  
پس از شکست امپراتوری عثمانی در برابر روسیه و تحمیل قرارداد پاریس در سال ۱۸۵۶م، زمینه برای شکل‌گیری سیاست‌های تمرکزگرایانه در دربار فراهم شد؛ در همین راستا، سلطان عبدالحمید دوم با بی‌اعتمادی نسبت به دستاوردهای مشروطیت، به تضعیف نهادهای مستقل و محدودسازی عرصه عمومی پرداخت. در طی سی سال سلطنت او، مشروطیت و پارلمان به حالت تعلیق درآمد و سیاستی مبتنی بر کنترل و سانسور بر جامعه حاکم شد. مبارزه با ارگان‌های جامعه مدنی که میراث دوران تجدد و مشروطیت بودند نیز شدت یافت و در این میان، جمعیت هلال احمر عثمانی نیز از فشارها در امان نماند (Şimşek, 2015: 312-313). عبدالحمید دوم که با واژه «جمعیت» مخالفت داشت، دستور داد نام این نهاد به «اداره هلال احمر» تغییر یابد (Ada, 2011: 181). هم‌زمان تلاش‌هایی برای توقیف

۱. جراحی آسپتیک (Aseptic Surgery) به معنای انجام عمل جراحی در محیطی کاملاً عاری از میکروب‌ها و عوامل عفونی است تا از بروز عفونت در بیمار جلوگیری شود. این مفهوم اساس بهداشت و استریل در جراحی است.

۲. فنل Phenol به عمل ضدعفونی‌کننده پوست و وسایل پزشکی پیش از عمل جراحی یا تزریق اطلاق می‌شود.

3. Carbolic acid

4.Hilâl-i Ahmer İdaresi

اموال هلال احمر در بانک عثمانی صورت گرفت و ساختار اداری آن دچار فروپاشی شد. آخرین جلسه رسمی جمعیت در ژانویه ۱۸۷۹م برگزار شد و با وجود درخواست‌های مکرر از سلطان برای از سرگیری فعالیت کمیته، هیچ‌گاه چنین مجوزی صادر نشد (OHAC, 1340, H, 29). اعضای جمعیت موقعیت سازمانی خود را از دست دادند و تنها به‌عنوان هیئتی مشورتی، گه‌گاه مورد مراجعه قرار می‌گرفتند.

با وجود این محدودیت‌ها، در سال ۱۸۸۴م حاجی رثوف بیگ به نمایندگی از جمعیت در سومین کنفرانس بین‌المللی صلیب سرخ شرکت کرد؛ اما به دلیل حمایت‌نکردن دولت عثمانی، این حضور نتوانست به احیای جایگاه پیشین جمعیت بینجامد و فعالیت‌های آن در عمل به مدت بیست سال متوقف شد (Akgün, 2000: 30).

آغاز جنگ عثمانی با یونان در سال ۱۸۹۷م و پیامدهای انسانی آن، دولت را واداشت تا برای کمک به مجروحان جنگی، بار دیگر فعال‌سازی هلال احمر را در دستور کار قرار دهد. با آزادسازی منابع مالی، اعضای پیشین گرد هم آمدند و اقدام به جمع‌آوری ملزومات پزشکی، از جمله دارو برای جبهه‌ها کردند. آنان با راه‌اندازی فراخوان عمومی، دو کشتی برای انتقال مجروحان از تسالی به استانبول اجاره کردند (Türkiye Hilal-i Ahmer, Mecmuası, 1927: 140)؛ باین‌حال، این فعالیت‌ها موقتی بود و تداوم نیافت.

نخبگان فکری عثمانی در پی آن برآمدند که تشکیلاتی منسجم و دائمی برای هلال احمر ایجاد کنند تا بتوان در شرایط بحرانی از آن بهره گرفت. حتی طرح‌هایی برای اعزام نیروهای بی‌طرف هلال احمر به جنگ روسیه و ژاپن مطرح شد، اما این تلاش‌ها نیز به سبب مخالفت‌های عبدالحمید ناکام ماند (Besim, 1328 H: 19).

با وقوع مشروطیت دوم عثمانی و کاهش قدرت سلطان عبدالحمید دوم، زمینه برای احیای هلال احمر فراهم شد؛ در نتیجه، روند بازسازی جمعیت آغاز شد. آتش‌سوزی گسترده منطقه آکسارای استانبول در سال ۱۹۱۱م فرصتی بود تا توانایی‌های هلال احمر پس از سال‌ها رکود بار دیگر آشکار شود. این حادثه که منجر به نابودی ۲۴۰۰ خانه شد، بازتاب گسترده‌ای در افکار عمومی یافت. روزنامه‌های تازه از قید سانسور رها شده، آن را پوشش گسترده دادند و کمک‌های مردمی از سراسر ایالات به استانبول سرازیر شد (Öksüz, 2020: 122-123).

با حمایت عالی‌ترین مقامات حکومتی، یک بسیج عمومی برای امدادرسانی و مهار آتش‌سوزی شکل گرفت. جمعیت هلال احمر که با نام جدید «سازمان احیای جمعیت هلال احمر» فعالیت خود را از سر گرفته بود، همراه با سازمان نوبنیاد آتش‌نشانی عثمانی، مسئولیت امدادرسانی به آسیب‌دیدگان را برعهده گرفت (Tural, 2004: 75). این جمعیت چند کمیته اضطراری تشکیل داد و رسیدگی به بیماران، تهیه غذا و ایجاد سرپناه برای آوارگان را سازمان‌دهی کرد. با ارسال درخواست کمک به ژنو، شعب مختلف صلیب سرخ جهانی نیز کمک‌های خود را روانه استانبول کردند (Kızılay ve Kızılhaç'ın Milletlerarası Kaynakları, 1964: 19).

عملکرد موفق هلال احمر در این حادثه سبب شد مشروطه‌خواهان در سال ۱۹۱۱م گام‌های جدی‌تری برای بازآفرینی و نهادینه‌سازی آن بردارند. به گفته برخی پژوهشگران، همین سال را می‌توان سال واقعی تأسیس هلال احمر عثمانی دانست (Çapa, 2010: 11). به دستور وزیر اعظم، کمیسیونی متشکل از نمایندگان وزارتخانه‌های نیروی دریایی، جنگ، امور داخلی، امور خارجه، آموزش و پرورش و بهداشت تشکیل شد تا پیش‌نویس اساسنامه‌ای جامع برای هلال احمر تدوین کند (Salname, 1913-15: 34-35).

در این دوره، با ایجاد ساختارهای جدید از جمله شعبه بانوان، بودجه‌ای مستقل برای سازمان اختصاص یافت؛ اقدامی که پیش از آن سابقه نداشت؛ همچنین ساختمانی مجهز به عنوان مرکز فعالیت‌های جمعیت تعیین شد. به پیشنهاد دربار و با حمایت سلطان، ولیعهد یوسف عزت‌الدین افندی به ریاست افتخاری هلال احمر منصوب شد و تصمیم گرفته شد شعب مختلف آن در ایالات گوناگون سازماندهی شود (İzgoer, 2013: 36).

جمعیت هلال احمر برای ارتقای سطح حرفه‌ای خود، به آموزش پزشکان و جذب متخصصان برجسته پرداخت. بسیاری از پزشکان نامدار عثمانی به این نهاد پیوستند و با برگزاری سخنرانی‌ها و نگارش مقالات، در جهت آگاه‌سازی جامعه تلاش کردند؛ همچنین، مشارکت زنان در فعالیت‌های جمعیت موجب افزایش اعتبار اجتماعی آن در میان جوانان و آزادی‌خواهان شد. همسران مقامات بلندپایه نیز کمک‌های مالی قابل توجهی به جمعیت ارائه کردند.

هلال احمر در راستای تقویت منابع مالی، اقدام به ایجاد کارگاه‌های صنایع دستی زنان کرد تا ضمن اشتغال‌زایی، نیازهای خود به ملزوماتی چون لباس، جوراب، ملحفه و دستکش را نیز تأمین کند (Sezer, 2014: 314). دریافت حق عضویت و کمک‌های مالی بین‌المللی از کشورهایمانند انگلستان، فرانسه و آمریکا از دیگر راهکارهای این جمعیت برای تأمین نقدینگی بود (Salname, 1913-15: 308).

#### ۶. جنگ طرابلس و آزمون جدی هلال احمر (۱۹۱۱-۱۹۱۲)

هنوز پنج ماه از آغاز فعالیت دوباره هلال احمر عثمانی نگذشته بود که جنگی ویرانگر بر این نهاد و کشور سایه انداخت. در اواخر سال ۱۹۱۱م، ایتالیا حمله خود را به طرابلس و بنغازی آغاز کرد. عثمانی‌ها که در سال‌های اخیر سرزمین‌های گسترده‌ای را از دست داده و قراردادهای سنگینی را متحمل شده بودند، تمایلی به تجربه شکست دیگر در دولت نوپای مشروطه نداشتند و تمام قوای خود را برای مقابله با ایتالیا بسیج کردند (Barclay, 1912: 48-49).

دولت عثمانی کارزار تبلیغاتی وسیعی را آغاز کرد تا جنبه‌های معنوی و میهن‌پرستانه جنگ را برجسته و از مسلمانان سراسر جهان کمک‌های مادی و نیروهای داوطلب جمع‌آوری کند (Hanioglu, 1989: 76). در این راستا، علمای مسلمان با صدور فتاوی‌های جهادی علیه ایتالیا، سعی کردند جهان اسلام را برای حمایت از عثمانی بسیج کنند (Bayar, 1967: 34).

هلال احمر عثمانی نیز به ابزاری تبلیغاتی بدل شد؛ از آنجا که بخش زیادی از جمعیت طرابلس و اطراف آن را قبایل مسلمان تشکیل می‌دادند، نشان هلال نه تنها سمبل کمک‌های بهداشتی بود، بلکه به وحدت مسلمانان در عرصه سیاسی و مذهبی نیز کمک می‌کرد و افکار عمومی جهان اسلام را با عثمانی‌ها همراه می‌ساخت (Missionary Herald, 1911: 552). تونس و مصر، همسایه طرابلس و از حامیان عثمانی، از این پیام‌ها تأثیر پذیرفتند؛ در مقابل، صلیب سرخ تاریخی نماد مسیحیت بود و نشان هلال انگیزه مذهبی قوی‌تری برای مسلمانان فراهم می‌کرد. عثمانی‌ها از این نماد استفاده گسترده کردند. وزارت جنگ عثمانی به مجاهدین طرفدار عثمانی و قبایل طرابلس دستور داد از چادرهای سفید منقش به نشان هلال

تحول نهادی و کارکردی جمعیت هلال احمر در امپراتوری عثمانی تا پایان جنگ جهانی اول | ۳۹

استفاده کنند تا نیروهای امدادی قابل شناسایی باشند (8: belge no: 7, klasör no: (TKA)؛ همچنین نیروهای امدادی موظف شدند بازوبندهای سفید با نشان هلال احمر بر بازوی خود ببندند (تصاویر شماره ۱ و ۲).



تصویر شماره ۱



تصویر شماره ۲

1. Türk Kızılayı Arşivi. Ankara, Turkey: Türk Kızılayı (TKA)

در سطح بین‌المللی، اگرچه هلال احمر عثمانی برای اعضای کنوانسیون ژنو شناخته شده بود، اما هنوز به‌طور رسمی توسط همه کشورهای تصویب نشده بود. در کنفرانس صلیب سرخ در واشینگتن، ۱۰ می ۱۹۱۲م، با درخواست رسمی عثمانی، هلال احمر به‌عنوان نیروی امدادی به رسمیت کامل شناخته شد (Akgün, 2000: 31-32). صلیب سرخ از ایتالیا خواست تا نیروهای هلال احمر را در دریا و خشکی محترم بشمارد و به رسمیت بشناسد، و ایتالیا پذیرفت مشروط بر آنکه عثمانی نیز به نیروهای صلیب سرخ ایتالیا احترام بگذارد؛ با این حال، هر دو طرف بارها این تعهد را نقض کردند (Beehler, 2014: 72).

تشکیلات هلال احمر با مشکلات جدی روبه‌رو بود؛ تجهیزات کافی، شامل وسایل جراحی، دارو، برانکارد، آمبولانس و چادر وجود نداشت و کمبود پزشک و پرستار نیز به مشکلات افزوده بود (Ataç, 2000: 258). با آغاز جنگ، تنها شش پزشک نظامی عثمانی و پنج پزشک داوطلب فرانسوی در طرابلس حاضر بودند و با پیشروی سریع قوای ایتالیا، مجبور شدند امکانات خود را رها و عقب‌نشینی کنند (Salname (1913-15): 100).

دولت عثمانی تبلیغات گسترده‌ای را در روزنامه‌ها و مجلات آغاز و از نیروهای داوطلب پزشکی دعوت کرد تا به سرپازان یاری رسانند (TKA, klasör no: 7, belge no: 8; BOA, BEO 4049/300611, belge no: 18). دامنه این تبلیغات به دانشگاه‌ها و کشورهای مسلمان دیگر نیز کشیده شد. برای داوطلبین حقوق در نظر گرفته شد و حتی برخی داوطلبان مسیحی از خارج نیز به هلال احمر پیوستند. وزارت جنگ برای آن‌ها آیین‌نامه‌ای تدوین کرد تا با بستن بازویند هلال و همراه داشتن مدارک هویتی، اجازه فعالیت داشته باشند (Yıldırım, 2014: 103).

با وجود داوطلبان داخلی و خارجی، تعداد پرسنل و امکانات پزشکی برای رسیدگی به مجروحان کافی نبود. شایعه‌ای نیز منتشر شد که به دلیل کمبود وسایل پزشکی، بر روی زخم مجاهدین روغن داغ ریخته می‌شود تا خونریزی را متوقف کنند (Aksoley, 2009: 72). هلال احمر برای جبران کمبود نیرو، دوره‌های کوتاه آموزشی برای اعراب و داوطلبان محلی برگزار و چندین شاخه بهداشتی ایجاد کرد. زنان نیز به صورت محدود در پرستاری و خدمات پشتیبانی نظیر جوشاندن آب، تهیه غذا و شست‌وشو مشارکت داشتند (Shwerib, 1989: 129).

مسافت طولانی بین استانبول و طرابلس، حمل و نقل تجهیزات پزشکی و مجروحان را دشوار می‌کرد. مسیر زمینی از صحرای مصر و تونس می‌گذشت و استفاده از اسب و شتر برای تجهیزات سنگین لازم بود. مسیر دریایی از طریق مدیترانه نیز به دلیل حملات ایتالیایی‌ها و کمبود کشتی، چالش برانگیز بود؛ در نتیجه، انتقال نیرو از استانبول به طرابلس تقریباً یک ماه طول می‌کشید؛ و این در صورتی بود که نیروها بر اثر بیماری، سوء تغذیه یا حمله دشمن کشته نمی‌شدند (Şerif, 1999: 242).

یکی دیگر از مشکلات، پایبند نبودن ایتالیا به مفاد کنفرانس ژنو بود؛ هر دو طرف در خشکی و دریا نیروهای امدادی را مورد حمله قرار می‌دادند. ایتالیا ادعا می‌کرد هلال احمر در ظاهر برای کمک فعالیت می‌کند، اما در اصل سربازانی هستند که لباس امدادگر بر تن دارند؛ در واقع، گاهی افسران ترک در لباس پزشک یا امدادگر و با مدارک هویتی تغییر یافته، به طرابلس می‌رفتند (Özbay, 1976).

با کمبود کشتی‌های امدادی، دولت عثمانی ناچار شد برخی کشتی‌های نظامی را به کشتی‌های امدادی تغییر کاربری دهد و پرچم هلال احمر بر آنها نصب کند؛ حتی از کشتی‌های بی‌طرف نیز برای انتقال تجهیزات و پرسنل استفاده شد، اما این اقدامات مانع حمله به کشتی‌هایی مانند کایسری، کارتاژ و مانویا نشد (BOA, BEO 4049/300612, belge no: 3). هلال احمر عثمانی بارها اعتراض خود را به صلیب سرخ اعلام کرد و این اعتراض‌ها به کنفرانس واشینگتن رسید. (Besim, 1328 H: 8)

چالش مالی نیز جدی بود؛ منابع محدود به کمتر از بیست هزار لیره می‌رسید. کمک‌های نقدی مسلمانان هند، آفریقای جنوبی، انگلستان، مصر، الجزایر، تونس و بوسنی، در مجموع حدود صد هزار لیره برآورد شد (Macar, 2017: 963). صلیب سرخ فرانسه، بریتانیا، روسیه و آلمان نیز خدمات و تجهیزات پزشکی فراهم کردند (Tetik, 2013: 49). با وجود کاستی‌ها، هلال احمر عثمانی چندین بیمارستان ثابت و صحرایی برپا و با بیماری‌های مسری مقابله کرد و سربازان و مردم محلی از خدمات آن بهره‌مند شدند؛ از ختنه کودکان تا درمان بیماری‌های عفونی و مراقبت‌های عمومی (Shwerib, 1989: 125). مصطفی کمال پاشا نیز یکی از مجروحینی بود که هلال احمر درمان وی را بر عهده گرفت (Çelebi, 2018: 746).

در مجموع، جنگ طرابلس نقطه عطفی در تاریخ هلال احمر عثمانی به‌شمار می‌رود؛ این نهاد به سازمانی دائمی و مستقل تبدیل شد که فعالیت‌های آن فراتر از عثمانی گسترده شد و مورد توجه جامعه جهانی قرار گرفت.

#### ۷. هلال احمر عثمانی و مدیریت بحران آوارگان در جنگ‌های بالکان (۱۹۱۲-۱۹۱۳)

جنگ طرابلس صدمات جبران‌ناپذیری بر بدنه امپراتوری عثمانی وارد کرد. ضعف ساختاری ارتش و اختلافات سیاسی گسترده در داخل کشور و حمایت قدرت‌های غربی از جنبش‌های ملی‌گرایانه در بالکان، سبب شد تا ائتلافی از قومیت‌های مخالف عثمانی شکل گیرد و سرانجام صربستان و مونته‌نگرو در سال ۱۹۱۲ میلادی علیه امپراتوری عثمانی اعلان جنگ کنند. عثمانی‌ها در وضعیتی اسفناک قرار داشتند و ارتش در جبهه‌های مختلف متحمل شکست‌های پی‌درپی شد. با پیوستن یونانی‌ها و بلغارها، مشکلات سیاسی و نظامی عثمانی‌ها دوچندان و شکاف‌های اجتماعی و قومی میان مسلمانان ترک و سایر قومیت‌ها عمیق‌تر شد، چالشی که به مهاجرت گسترده مردم ترک و مسلمانان از مناطق جنگی به سمت استانبول و آناتولی غربی انجامید (Çapa, 1990: 103). شمار مهاجرانی که از بیم جان و مال وطن خود را ترک کردند، به حدود دو میلیون نفر می‌رسید که بخش عظیمی از آنان به تدریج وارد استانبول شدند (Cemal Paşa, 1959: 85). در میان آوارگان، تعداد زیادی سرباز مجروح، زنان باردار، کودکان بی‌سرپرست، روستاییان و عشایر به چشم می‌خوردند؛ همچنین بسیاری از آنان دام‌ها و اثاثیه خود را همراه داشتند که بر مشکلاتشان می‌افزود.

از همان روزهای ابتدایی جنگ، جمعیت هلال احمر جلسات متعددی برگزار کرد تا سیاست‌ها و راهبردهای آینده خود را برنامه‌ریزی کند؛ در ابتدا، بیشتر اعضا بر این باور بودند که این جمعیت تنها برای امدادسانی در میدان جنگ آموزش دیده و به تنهایی قادر به کمک به مهاجران آواره نخواهد بود (Özaydin, 2002: 694)؛ در نهایت در سطح ملی تصمیم گرفته شد اداره‌ای تحت عنوان «اداره مهاجرت» ایجاد شود تا با مشارکت هلال احمر، وزارت داخله، پلیس و شهرداری‌ها، وظیفه انتقال، اسکان، تأمین غذا، بهداشت و اشتغال آوارگان را برعهده گیرد؛ هرچند نقش اصلی به هلال احمر محول شد (Macar, 2010: 203).

تحول نهادی و کارکردی جمعیت هلال احمر در امپراتوری عثمانی تا پایان جنگ جهانی اول | ۴۳

با افزایش بودجه، هلال احمر اقلام کمکی را به شهرهایی که در تصرف دشمن بودند ارسال کرد تا امدادسانی از مبدأ آغاز شود. گروه‌های امدادی در استانبول شروع به ارائه کمک‌های نقدی، غذا، سرپناه و پوشاک به مهاجران کردند و اولویت را به کسانی دادند که در استانبول یا اطراف آن خویشاوندی نداشتند (Halaçoğlu, 1995: 83). از طریق ثبت‌نام آوارگان، هلال احمر یک جامعه آماری ایجاد کرد تا بتواند مدیریت منابع و خدمات را بهبود بخشد و همچنین افراد مفقود و اسیر را شناسایی کرده و وضعیت آنان را به خانواده‌هایشان اطلاع دهد (TKA, klasör no: 280, belge no: 159).

اسکان موقت آوارگان یکی از مهم‌ترین چالش‌ها بود؛ شهرداری‌ها قادر به تأمین مسکن انبوه برای این تعداد مهاجر نبودند و هلال احمر ناگزیر آن‌ها را در مساجد، مسافرخانه‌ها، چادرهای موقت، صدقه‌خانه‌ها، اقامتگاه‌های دراویش و مدارس اسکان داد. در مساجد تاریخی استانبول، همچون مسجد سلطان احمد، ایاصوفیه، مسجد ایوب سلطان و ۷۹ مسجد دیگر، هزاران مهاجر خسته و گرسنه اسکان داده شدند (TKA, klasör no: 72, belge no: 64). ایستگاه‌های راه‌آهن مهم‌ترین وسیله انتقال آوارگان، مجروحان و خدمات پزشکی به جبهه‌ها بود.

با حملات دشمن و اختلال در خطوط ریلی، هلال احمر از روش‌های جایگزین مانند کرایه کامیون و استفاده از حیوانات باربر بهره برد و در اسکله‌های دریایی بسیج گسترده‌ای انجام داد تا عملیات بارگیری، تخلیه و انتقال با کمترین زمان ممکن انجام شود (TKA, klasör no: 12, belge no: 108). برای تأمین غذای مهاجران، هلال احمر با بهره‌گیری از جامعه آماری، کوپن‌های غذایی توزیع کرد تا عدالت و نظم در توزیع رعایت شود و آشپزخانه‌های سیار در مقابل مساجد ایجاد شد تا روزانه هزاران قرص نان به آوارگان برساند (Ömer, 2009: 116-121). همچنین سوپ‌خانه‌ها و چایخانه‌های سیار در نقاط مشخص ایجاد شد تا سوپ و چای گرم برای سربازان و آوارگان فراهم شود (Noyan, 1956: 8). آمارها نشان می‌دهد روزانه تنها در استانبول پانزده هزار غذای گرم توزیع می‌شد که هزینه هفتگی آن بالغ بر دو هزار لیره بود (TKA, klasör no: 989, belge no: 2).

مدیریت بیماری‌ها و مهار گسترش امراض عفونی از دیگر چالش‌های هلال احمر بود. بیماری‌های حصبه، تیفوس، آبله و وبا شایع‌ترین بیماری‌های میان آوارگان بودند. سوء تغذیه و آب آشامیدنی ناسالم سبب شد و با به سرعت گسترش یافته و به دیگر بخش‌های جامعه سرایت کند (Kuntman, 2010: 65). برای مقابله با این وضعیت، هلال احمر کمیته مستقلی به نام «جمعیت سلامت مهاجرین» تشکیل داد و واکسیناسیون عمومی و مبارزه با بیماری‌های شایع را برعهده گرفت (TKA, klasör no: 258, belge no: 2.1). واکسیناسیون آبله در اولویت قرار گرفت و کارت واکسن میان آوارگان توزیع شد. کسانی که کارت واکسیناسیون نداشتند، اخطار دریافت کردند که در صورت دریافت نکردن واکسن، سهمیه نان آن‌ها قطع خواهد شد (Ağanoğlu, 2001: 250).

با افزایش تعداد بیماران، مراکز درمانی موجود کافی نبودند و ساخت بیمارستان‌های جدید و موقت؛ همچنین تغییر کاربری برخی ساختمان‌ها به درمانگاه، در دستور کار قرار گرفت (TKA, klasör no: 137, belge no: 5). هلال احمر در شهرهای مختلف از جمله استانبول، سلانیک، ادرنه، باندیرما، ایوانینا، اسکودرا، اسکوپیه و چند شهر دیگر بیمارستان ایجاد کرد و این بیمارستان‌ها به داروخانه و رخت‌شورخانه مجهز شدند. هر بیمارستان دارای پرسنل پزشکی و اداری مشخصی بود (İzgoer, 2013: 109-110). ظرفیت بیمارستان‌ها معمولاً بین صد تا دویست تخت بود، اما در موارد بسیاری به دلیل تراکم بیماران، ظرفیت بیشتری استفاده می‌شد. تجربه جنگ‌های بالکان همچنین به هلال احمر کمک کرد جایگاه خود را به‌مثابه یک سازمان مؤثر تثبیت کند و در میان مردم محبوب شود، عملکردی که در جنگ جهانی اول نیز منجر به حمایت اجتماعی گسترده‌تر شد.

## ۸. جنگ جهانی اول و هلال احمر

در آستانه جنگ جهانی، هلال احمر با تکیه بر تجربه جنگ‌های پیشین، یک سیستم یکپارچه بیمارستانی را با شرح وظایف با هدف نزدیکی به استانداردهای جهانی ترسیم کرد. این آیین‌نامه‌ها، اصول دقیقی برای واحدها، بیمارها، پزشکان، جراحی‌ها، لباس‌ها، داروها، سرم‌ها و به‌صورت کلی برای هر شرایط بحرانی پیش‌بینی کرده بود (ATASE,

از اعزام به جنگ الزامی شد. سربازان واکسیناسیون می‌شدند، به آن‌ها کارت واکسن داده می‌شد و بیماری‌های احتمالی آن‌ها مورد رصد قرار می‌گرفت. در طول جنگ نیز پزشکان موظف بودند خون سربازان بیمار را زیر میکروسکوپ معاینه کنند و در صورت مشاهده هرگونه بیماری عفونی، سرباز را از واحد جدا کنند تا بیماریش به دیگر سربازان سرایت نکند (Esenkaya, 2011: 29). به پزشکان و پرسنل آموزش داده شده بود به‌دقت به این اصول احترام بگذارند؛ همچنین برای جلوگیری از تداخل وظایف، با وزارت‌خانه‌های دیگر نظیر ارتش و بهداشت هماهنگی‌های کاملی انجام شده بود.

با شروع جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴م، دولت عثمانی در حمایت از آلمان، وارد جنگ شد. هلال احمر بر طبق دستورالعمل‌های خود، در هماهنگی با ارتش و در امتداد تحرکات نیروهای نظامی حرکت می‌کرد و با استقرار مراکز خود در پشت جبهه، نقش ترابری پزشکی را برعهده داشت.

در جبهه قفقاز، انورپاشا با ۱۵۰ هزار نفر به روسیه حمله کرد. چنین حمله بزرگی، نیازمند امکانات امدادی زیادی بود. به هلال احمر دستور داده شد یک بیمارستان سیار پانصد تخت‌خوابی در پشت جبهه یعنی در ارزروم آماده کند (Armaoğlu, 1984:112) در قفقاز، ارتش عثمانی متحمل شکست‌های زیادی از روسیه شد و هلال احمر با مراجعه انبوهی از سربازان گرسنه، خسته، سرمازده و بیمار مواجه شد. شیوع بیماری تیفوس در میان سربازان، مشکلات کادر امدادی را دوچندان کرد؛ به‌طوری که برخی از امدادگران بر اثر تیفوس جان خود را از دست دادند (OHAC, 1330-1334 H, s.61-62). در همین راستا، هلال احمر یک آزمایشگاه باکتری‌شناسی در ارزروم افتتاح کرد تا بتواند تیفوس را مهار کند، اما با پیشروی قوای روسیه و تصرف ارزروم، هلال احمر ناچار شد بخش بزرگی از تجهیزات خود را رها کند و به ارزنجان و سپس به قیصریه و سیواس عقب‌نشینی کند (OHAC, 1330-1334 H, s.5-6). تغییرات مداوم محل‌های استقرار و نبود شرایط استفاده هلال احمر از راه‌آهن، منجر شد بخش زیادی از تجهیزات پزشکی

از بین برود و یا به دست روس‌ها بیفتد. با پیشروی روس‌ها، تعداد آوارگان و مجروحین افزایش پیدا کرد. هلال احمر در سیواس یک بیمارستان کوچک و یک مرکز آزمایشگاهی ایجاد کرد تا واکسن هاری، واکسن تب و سرم تولید کند. شیوع وبا و مالاریا در منطقه ساحلی سامسون تا ترابوزان، چالش جدیدی بود که هلال احمر ناچار بود با آن مقابله کند (Sari, 2023: 166-167).

در جبهه خاورمیانه، جمال پاشا وزیر دربار عثمانی که مدیریت ارتش چهارم عثمانی‌ها را برعهده داشت، با نیروهای انگلیسی در اورشلیم درگیر شد. هلال احمر در نزدیکی کانال سوئز و صحرای سینا مستقر شد. جمعیت مجهز به دستگاه اشعه ایکس و تجهیزات آزمایشگاهی باکتری‌شناسی بود. هدف این بود در سریع‌ترین زمان ممکن سرم و واکسن برای ارتش تولید شود و مبارزه با تراخم و تیفوس به روش بهتری صورت پذیرد (Armaoğlu, 1984:113)؛ همچنین هلال احمر با ایجاد حمام‌های صحرایی متعدد و قراردادن لباس سربازان به مدت بیست دقیقه در مواد ضدعفونی‌کننده سعی می‌کرد سلامت سربازان را در جبهه در شرایط بهتری قرار دهد و از شیوع بیماری جلوگیری کند (Tanin, gazetesi, 28 Haziran 1915, nr. 2344, s 3).

با تصرف غزه و اورشلیم توسط انگلستان، پشتیبانی ارتش عثمانی و بیمارستان‌های هلال احمر چندین بار مورد حمله قرار گرفت که در طی آن، تعدادی از مجروحین جنگی و پرستاران کشته شدند (OHAC, 1330-1334 H, s. 14) با مسدود شدن راه‌ها، شرایط به حدی برای امدادگران سخت شده بود که قادر نبودند حتی ابتدایی‌ترین تجهیزات پزشکی نظیر پنبه را تأمین کنند (ATASE, A, ds.153/21, 1915)؛ بنابراین هلال احمر ناچار شد بیمارستان‌های صحرایی و تجهیزات باقی‌مانده را نابود و به دمشق عقب‌نشینی کند تا به دست دشمن نیفتند. در دمشق نیز ارتش عثمانی شکست خورد و انگلیسی‌ها با تصرف بیمارستان هلال احمر، مجروحین را به اسارت درآوردند.

در جبهه چاناق قلعه، در سال ۱۹۱۵م، جنگی تمام عیار میان متفقین و عثمانی‌ها در شبه‌جزیره گالیپولی درگرفت. هدف متفقین تصرف تنگه داردانل و پیشروی به سمت استانبول و در نهایت کنترل کامل بر تنگه‌ها بود. هنگامی که متفقین در دریا شکست

تحول نهادی و کارکردی جمعیت هلال احمر در امپراتوری عثمانی تا پایان جنگ جهانی اول | ۴۷

خوردند، از مسیرهای زمینی حملات خود را تشدید کردند؛ در نتیجه درگیری‌ها، سربازان مجروح و بیمار به طرز چشمگیری افزایش پیدا کرد (Sezer, 2015: 55).

هلال احمر به‌منظور تسریع خدمات‌رسانی و جلوگیری از ازدحام جمعیت، واحدهای کوچکی را در پشت جبهه با ظرفیت پانزده تخت و چهار پزشک ایجاد کرده بود تا به سربازانی که زخم آن‌ها سطحی بود و به جراحی‌های سرپایی نیاز داشتند، رسیدگی کند و چنانچه سربازی نیاز به جراحی پیشرفته داشت و یا حالش وخیم بود، او را با خودروهای هلال احمر، به بیمارستان چاناق قلعه انتقال می‌دادند. این مراکز کوچک با این هدف ایجاد شد تا در صورت حمله دشمن، جمع‌آوری کمپ با سرعت بیشتری صورت بگیرد و چابکی سازمانی در هلال احمر تقویت شود (ATASE, BDH, KI. 4581, Dos. 8, Fih. 1-101). در بیمارستان‌های هلال احمر، مجروحین با توجه به میزان صدمات دسته‌بندی می‌شدند. پرونده پزشکی پس از تکمیل، به گردن آن‌ها آویخته می‌شد و کسانی که نیاز به جراحی داشتند در نوبت اتاق عمل قرار می‌گرفتند. استفاده از مورفین زیر زبانی کاربردی‌ترین دارویی بود که درد مجروحین را تسکین می‌داد؛ به همین دلیل به‌سرعت میزان موجودی مورفین هلال احمر کاهش پیدا کرد (ATASE, BDH, KI. 4627, Dos. 83, Fih. 23).

یکی دیگر از اقدامات هلال احمر، بهره‌گیری از دستگاه خشک‌کن جدید بود که وسیله‌ای ارزشمند و کمیاب محسوب می‌شد؛ این دستگاه با استفاده از بخار، لباس‌های سربازان را تمیز و آلاینده‌گی آن‌ها را از بین می‌برد (Holding, 2015: 69). وجود این دستگاه به هلال احمر اجازه می‌داد پرسنل خود را به‌جای شست‌وشوی مداوم لباس‌ها، در بخش‌های دیگر به‌کار بگیرد. با فرسایشی شدن جنگ، هلال احمر با هدف بالابردن روحیه سربازان، بین آن‌ها در سنگرها پرتقال، توتون و سیگار توزیع کرد (Gül, 2013: 19).

بیمارستان چاناق قلعه، با علائم هلال احمر پوشانده شده بود و نقشه آن در اختیار متفقین قرار گرفته بود، اما متفقین با هواپیما و بالن برخلاف قوانین بین‌المللی، بارها آن را بمباران کردند (BOA, HR., SYS., 2413/60-1). این جنایت جنگی محدود به چاناق

قلعه نبود و در مراحل بعدی بیمارستان‌های دیگر منطقه از جمله مایدوس بمباران شدند که در طی آن تعداد زیادی از پرسنل و سربازان مجروح کشته شدند. در جبهه ایران، هلال احمر چندین مرکز درمانی در ساوجبلاغ و کرمانشاه ایجاد کرد و از نیروهای طرفدار خود درخواست کرد تا کمک‌های مالی و جنسی خود را به این مراکز برسانند. ثروتمندان و افراد پرنفوذی که طرفدار عثمانی بودند، قصد داشتند به هلال احمر کمک کنند، اما همواره نگران عکس‌العمل حاکمان ایرانی منطقه بودند. عاصم بیگ سفیر عثمانی در تهران پس از مذاکراتی که با رهبران سیاسی ایران انجام داد، آن‌ها را مجاب کرد در این زمینه بی‌طرف باشند و مانع کمک اتباع ایرانی به هلال احمر نشوند (BOA, HR. SFR. (20), 123/4. Lef:1).

هلال احمر عثمانی همچنین با جمع‌آوری منابع مالی از مجاهدینی که به جهاد اکبر پیوسته بودند، به کمک اتباع فقیر عثمانی و مجروحین جنگی غرب ایران رفت؛ همچنین البسه‌ای مانند جوراب، دستکش و لباس که توسط مردم داوطلب برای هلال احمر تولید شده بود، بین مجاهدین توزیع شد (Ibid). روس‌ها هلال احمر را متهم می‌کردند که با جمع‌آوری منابع مالی، آن‌ها را در اختیار مجاهدین قرار می‌دهد تا علیه روس‌ها و انگلیسی‌ها بجنگند؛ اتهامی که سفیر عثمانی آن را بی‌اساس می‌دانست. درمقابل روسیه نیز پایگاه‌های صلیب سرخ خود را در شمال غرب ایران فعال کرد و به جمع‌وری کمک از مردم پرداخت (Ayaydin, 2016: 111). با شکست کامل نظامی عثمانی و فروپاشی امپراطوری عثمانی، هلال احمر فصل جدید و متفاوتی را در جنگ‌های استقلال با حضور مصطفی کمال پاشا برعهده گرفت.

## ۹. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان داد که جمعیت هلال احمر عثمانی، به‌عنوان نخستین سازمان امدادی مدرن در جهان اسلام، محصول تعامل پیچیده میان سیاست‌های دولتی، سنت‌های اسلامی خیرخواهانه و جریان‌های تجددخواهی در دوران مشروطیت و تنظیمات عثمانی بود. شکل‌گیری این نهاد نه تنها پاسخی به نیازهای فوری نظامی و

انسانی بود، بلکه بازتاب تحولات نهادی و تلاش برای همگام‌سازی ساختارهای اجتماعی و سیاسی با استانداردهای بین‌المللی نیز محسوب می‌شد.

تحلیل تاریخی نشان می‌دهد که هلال احمر عثمانی، با وجود فشارهای سیاسی دوره سلطان عبدالحمید دوم و محدودیت‌های ناشی از اقتدارگرایی، توانست ظرفیت‌های خود را توسعه دهد. این نهاد با ایجاد شبکه‌های امدادی، منابع مالی متنوع و به‌کارگیری تخصص پزشکی نوین، نقش مؤثری در مدیریت بحران‌های نظامی و انسانی ایفا کرد. تجربه جنگ‌های بالکان و طرابلس، سپس جنگ جهانی اول، هلال احمر را به سازمانی حرفه‌ای، انعطاف‌پذیر و دارای قابلیت پاسخ‌گویی به بحران‌های گسترده تبدیل کرد.

در عرصه اجتماعی، هلال احمر عثمانی موجب گسترش مشارکت مردمی، به ویژه نقش‌آفرینی زنان و طبقات تحصیل‌کرده شد. ایجاد شعب متعدد، بیمارستان‌ها و کمیته‌های تخصصی، نظامی‌گری و امدادگری را با الزامات اخلاقی و فرهنگی جامعه عثمانی تلفیق کرد. انتخاب نماد هلال به جای صلیب نیز تأکیدی بر هویت اسلامی و تلاش برای ایجاد الگویی بومی و الهام‌بخش در جهان اسلام بود.

از منظر نهادی، هلال احمر عثمانی نمونه‌ای شاخص از نهادسازی مدنی در جوامع اسلامی متأثر از مدل‌های بین‌المللی به‌شمار می‌رود؛ این نهاد با تطبیق میان سنت و مدرنیته، عملکرد خود را در حوزه‌های امدادی، بهداشتی و مدیریت بحران تثبیت و نهادینه کرد. تجربه آن، علاوه بر تأثیر مستقیم بر زندگی مردم عثمانی، الگویی برای تأسیس جمعیت‌های مشابه در سایر کشورهای اسلامی فراهم کرد و نشان داد که نهادهای مدنی می‌توانند حتی در ساختارهای اقتدارگرا و بحران‌زده نیز نقش فعال و اثرگذار داشته باشند.

نتایج بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که هلال احمر عثمانی تا پایان جنگ جهانی اول توانست از یک نهاد نوپا و محدود به فعالیت‌های پزشکی نظامی، به سازمانی منسجم با ظرفیت‌های گسترده امدادی، بهداشتی و مدیریت بحران تبدیل شود. با بهره‌گیری از تجربه جنگ‌های بالکان، جنگ طرابلس و ابتدای جنگ جهانی، ساختار تشکیلاتی خود را بهبود بخشید، شبکه‌های امدادی و بیمارستان‌های سیار و ثابت را توسعه داد و آموزش پرسنل و

متخصصان پزشکی را به صورت حرفه‌ای سازماندهی کرد؛ علاوه بر فعالیت‌های نظامی، هلال احمر عثمانی در مدیریت بحران‌های انسانی ناشی از آوارگی و شیوع بیماری‌ها نقش مؤثری ایفا و با ایجاد کمیته‌های تخصصی و بهره‌گیری از آمارگیری دقیق، خدمات سازمان‌یافته‌ای به آوارگان ارائه کرد. مشارکت فعال زنان، طبقات تحصیل کرده و جامعه مدنی نیز نشان‌دهنده سازگاری این نهاد با نیازهای اجتماعی و فرهنگی امپراتوری عثمانی و ارتقای مشروعیت آن در میان مردم بود.

به این ترتیب، هلال احمر عثمانی نه تنها الگویی موفق برای مدیریت بحران در دوره جنگ و فاجعه انسانی شد، بلکه تجربه آن زمینه‌ساز شکل‌گیری و توسعه سازمان‌های مشابه در جهان اسلام شد. این نهاد نشان داد که ترکیب سنت‌های اسلامی با اصول نوین امداد رسانی و نهادسازی می‌تواند نهادی پایدار، مؤثر و با قابلیت پاسخ‌گویی به بحران‌های گسترده ایجاد کند.

#### فهرست منابع

##### آرشیو نخست وزیری عثمانی<sup>۱</sup> (BOA)

- Başbakanlık Osmanlı Arşivi (BOA), BEO 4049/300612, belge no: 3.  
Başbakanlık Osmanlı Arşivi (BOA), HR. SFR. (20), 123/4. Lef:1.  
Başbakanlık Osmanlı Arşivi (BOA), HR., SYS., 2413/60-1.  
Başbakanlık Osmanlı Arşivi (BOA), BEO 4049/300611, belge no: 18.

##### آرشیو هلال احمر عثمانی (TKA)

- Türk Kızılayı Arşivi (TKA), klasör no: 12, belge no: 108  
Türk Kızılayı Arşivi (TKA), klasör no: 137, belge no: 5  
Türk Kızılayı Arşivi (TKA), klasör no: 258, belge no: 2.1  
Türk Kızılayı Arşivi (TKA), klasör no: 280, belge no: 159  
Türk Kızılayı Arşivi (TKA), klasör no: 7, belge no: 8  
Türk Kızılayı Arşivi (TKA), klasör no: 72, belge no: 64  
Türk Kızılayı Arşivi (TKA), klasör no: 989, belge no: 2

1. Başbakanlık Osmanlı Arşivi (BOA).

2. Türk Kızılayı Arşivi. Ankara, Turkey: Türk Kızılayı (TKA). (nd.). Klasör no, Belge no.

منابع ترکی استانبولی

- Ada, H. (2004), *The first Ottoman civil society organization in the service of the Ottoman state: The case of the Ottoman Red Crescent* (Osmanlı Hilal-i Ahmer Cemiyeti), (Master's thesis, Sabancı University).
- Ada, H. (2011), *Osmanlı Devleti'nin hizmetinde ilk modern Osmanlı sivil toplum örgütü: Osmanlı Hilal-i Ahmer Cemiyeti (1868–1911)*, (Unpublished doctoral dissertation, Marmara Üniversitesi Türkiyat Araştırmaları Enstitüsü, İstanbul).
- Ağanoğlu, H. Y. (2001), *Osmanlı'dan Cumhuriyet'e Balkanlar'ın makûs talihi göç*, İstanbul: Kum Saati Yayınları.
- Akgün, S. K., & Uluğtekin, M. (2000), *Hilal-i Ahmer'den Kızılay'a*, Ankara: Kızılay Yayınları.
- Aksoley, H. (2009), *Teşkilat-ı Mahsusa'dan Kuva-yı Milliye'ye*, İstanbul: Timaş.
- Armaoğlu, F. (1984), *Yüzyıl siyasi tarihi (1914–1980)*, (2nd ed.), Ankara: Türkiye İş Bankası Kültür Yayınları.
- Ataç, A. (2000), *Osmanlı Devleti'nde askeri sağlık hizmetleri*, In Osmanlı Devleti'nde Sağlık Hizmetleri Sempozyumu, Ankara.
- Ayaydın, R. (2016), *Birinci Dünya Savaşı'nda Osmanlı Devleti'nin İran'da Cihad-ı Ekber faaliyetleri*, (Master's thesis, İstanbul Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü, İstanbul).
- Barclay, T. (1912), *The Turco-Italian war and its problems*, London: Constable & Company Ltd.
- Bayar, C. (1967), *Ben de yazdım*, (Vol. 1, 2nd ed.), İstanbul: Baha Matbaası.
- Beehler, W. H. (2014), *Commodore, 1911–1912 Türk-İtalyan Savaşı (L. Yıldırım, Trans.)*, İstanbul: İlgü Kültür Sanat Yayınları.
- Besim, Ö. B. (1910/۱۳۲۸ هـ), *IX Washington Salib-i Ahmer Konferansı'na memuriyetim ve Osmanlı Hilal-i Ahmer Cemiyeti'ne tekliflerim hakkında*, İstanbul.
- Çapa, M. M. (1990), *Balkan savaşında Kızılay (Osmanlı Hilâl-i Ahmer) Cemiyeti*, Ankara Üniversitesi Osmanlı Tarihi ve Uygulama Merkezi Dergisi (OTAM), (1).
- Çapa, M. M. (2010), *Kızılay [Hilâl-i Ahmer] Cemiyeti (1914–1925)*, Ankara: Türkiye Kızılay Derneği Yayınları.
- Çelebi, M. (2018), *Conkbayırı'nda Atatürk'ün hayatını kurtaran saat*, Belgi Dergisi, 2(16), Pamukkale Üniversitesi Atatürk İlkeleri ve İnkılâp Tarihi Araştırma ve Uygulama Merkezi Yayınları.
- Cemal Paşa, (1959), *Hatıralar*, (B. Cemal, Ed.), Selek Yayınları.
- Dunant, H. (1964), *Bir Solferino hatırası*, (N. Arpacioğlu, Trans.), Ankara: Türkiye Kızılay Derneği.

- Esenkaya, A. (2011), *Çanakkale muharebelerinde cephe ve cephe dışında sağlık hizmetleri*, Çanakkale Araştırmaları Türk Yıllığı, Bahar–Güz. Çanakkale: Çanakkale Onsekiz Mart Üniversitesi Atatürk ve Çanakkale Savaşları Araştırma Merkezi.
- Genelkurmay Askeri Tarih ve Stratejik Etüt Daire Başkanlığı Arşivi (ATASE)*, (n.d.). BDH, Kl. 4581, Dos. 8, Fih. 1–101; A, ds.153/21 (1915).
- Gül Uluğtekin, M. (2013), *Osmanlı'dan Cumhuriyet'e Hilal-i Ahmer icraat raporları 1914–1928*, Ankara: Pulat Basımevi.
- Halaçoğlu, A. (1995), *Balkan harbi sırasında Rumeli'den Türk göçleri (1912–1913)*, (2nd ed.), Ankara: TTK Yayınları.
- Hanioğlu, M. Ş. (1989), *Kendi mektuplarında Enver Paşa*, İstanbul: Der Yayınları Bayar
- Henri, C. (1964), *Milletlerarası Kızılhaç*, Ankara.
- Hilal-i Ahmer, (1877/۱۲۹۴ هـ), *Hilal-i Ahmer raporu, mecruhin ve mardayı askeriye imdat ve muavenet cemiyeti sabit ve seyyar hastaneleri*, (Vol. 3), İstanbul.
- Holding, D. (2015), *Çanakkale acı ilaç 18 Mart 1915–9 Ocak 1916*, İstanbul.
- İzgör, A. Z., & Tug, R. (2013), *Padişah'ın himayesinde Osmanlı Kızılay Cemiyeti (1911–1913 yıllığı)*, Ankara: Türk Kızılayı Yayınları.
- Karal, E. Z. (1983), *Osmanlı tarihi*, (Vol. 5). Ankara: TTK.
- Kızılay ve Kızılhaç'ın milletlerarası kaynakları: Sözleşmeler, tüzükler, kararlar*, (1964), Ankara: Türkiye Kızılay Derneği.
- Kuntman, M. D. (2010), *Bir doktorun harp ve memleket anıları*, (M. Özata, Ed.), Ankara.
- Macar, O. D. (2010), *Balkan savaşları'nda salgın hastalıklar ve sağlık hizmetleri*, İstanbul: Libra Yayınları.
- Macar, O. D. (2017), *Hilal-i Ahmer Cemiyeti'nin kurumsal tarihinde önemli bir deneyim: Trablusgarp savaşı (1911–1912)*, İstanbul: İstanbul Ticaret Üniversitesi, İnsan ve Toplum Bilimleri Fakültesi.
- Midhat, A. (1879/۱۲۶۹ هـ), *Hilâl-i Ahmer*, İstanbul.
- Missionary Herald, (1911), *Missionary Herald*, 107(12).
- Noyan, A. (1956), *Son harplerde salgın hastalıklarla savaşlarım*, Ankara.
- Öksüz, M. (2020), "İstanbul / Uzunçarşısı yangını (1911) için Trabzon vilayetinden toplanan yardımlar", *Karadeniz İncelemeleri Dergisi*, vol.15, no.29, pp.121-148
- Ömer, B. (2009), *Hanımefendilere Hilâl-i Ahmer'e dair konferans*, (İ. Hacıfettahoğlu, Ed.). Ankara: Türkiye Kızılay Derneği Yayınları.
- Osmanlı Hilal-i Ahmer Cemiyeti (OHAC), (n.d.-a). *Salnamesi 1329–1331 H*, 26–27.

- Osmanlı Hilal-i Ahmer Cemiyeti (OHAC), (n.d.-b), *Salnamesi 1330–1334 H*, no. 3, 15 Kasım 1916, s. 61–62.
- Osmanlı Hilal-i Ahmer Cemiyeti (OHAC), (n.d.-c), *Salnamesi 1340 H*, 29.
- Özaydın, Z. (1987), *Osmanlı Hilal-i Ahmer Cemiyeti Salnamesi*, (Unpublished M.A. dissertation), İstanbul Üniversitesi, İstanbul.
- Özaydın, Z. (2002), *Osmanlı Hilâl-i Ahmer Cemiyeti'nin kuruluşu ve çalışmaları*, Türkler, 13. Ankara: Yeni Türkiye Yayınları.
- Özbay, K. (1976), *Türk Asker Hekimliği Tarihi ve Asker Hastaneleri*, (Vol. 1, p. 84), Yörük Basımevi
- Ryan, C. (1962), *Kızılay emri altında Pilevne ve Erzurum'da (1877–78) (Osmanlı-Rus Harbi)*, İstanbul.
- Osmanlı Hilal-i Ahmer Cemiyeti (OHAC), (n.d.-b), *Salname (1913–1915)*, 34–35.
- Sari, M., & Doğan, C. (2023), *I. Dünya Savaşı'nda Hilâl-i Ahmer (Kızılay) Cemiyeti'nin Sivas'taki faaliyetleri*, Akademik Bakış, 17(33).
- Schindler, D., & Toman, J. (1988), *The laws of armed conflicts*, Martinus Nijhoff Publishers.
- Şerif, A. (1999), *Arnavutluk'da, Suriye'de, Trablusgarb'de Tanin*, (Vol. II, A. Ç. Börekçi, Ed.), Ankara: TTK.
- Sezer, C. (2014), *Hilâl-i Ahmer Cemiyeti Hanımlar Dâr-üs Sanâ'ası*, History Studies: International Journal of History, 6.
- Sezer, C. (2015). Çanakkale cephesinde sağlık kuruluşları ve Kızılay arşiv belgelerine göre Hilâl-i Ahmer Cemiyeti'nin faaliyetleri. Uluslararası Tarih ve Sosyal Araştırmalar Dergisi, 13.
- Shwerib, A. A. (1989). El-Hilalu'l Ahmar el-Osmani ve devruhu fi 'l Cihâdi'l Libî. Dar-ul Kutub El Vataniyye.
- Şimşek, D. (2015). II. Abdülhamid dönemi Osmanlı Hilal-i Ahmer Cemiyeti'nin kuruluşu ve teşkilatlanması. Turkish Studies International Periodical for the Languages, Literature and History of Turkish or Turkic, 10(5).
- Tanin gazetesi. (1915, June 28), 2344, p. 3.
- Tetik, A., & Güzel, M. Ş. (2013). Kızılay ve Kızılhaç belgeleriyle Osmanlılara karşı işlenen savaş suçları (1911–1921). İstanbul: İş Bankası Yayınları.
- Tural, E. (2004). Türkiye, Hollanda, İngiltere ve Amerika'da modern itfaiye teşkilatının kuruluşu ve harik (yangın) nizamnameleri. Çağdaş Yerel Yönetimler, XIII(1).
- The Red Crescent*, (1974), Turkish Red Crescent General Headquarters, Ankara: Kızılay.
- Türkiye Hilal-i Ahmer Mecmuası. (1927). "Ellinci Yıl," 76, 140. İstanbul.

- Türkiye Kızılay Derneği. (1950). 73 yıllık hayatı 1877–1949. Ankara: Türkiye Kızılay Derneği Yayınları.
- Unat, E. K. (1987). Macarlı Dr. Abdullah Bey (Karl Eduard Hammerschmidt) ve Türkiye’deki çalışmaları. In A. Terzioğlu & E. Lucius (Eds.), Türk–Avusturya tıbbi ilişkileri. İstanbul.
- Uzluk, F. N (1964), *Kızılay Cemiyeti’nin kuruluşuna kısa bir bakış*, Ankara.
- Yıldırım, N. (2014). Savaşlardan modern hastanelere Türkiye’de hemşirelik tarihi. İstanbul: Vehbi Koç Vakfı.
- Yurdakul, E. S. (2019a). Kızılay’ın ilk hastaneleri (1877–1878): Yatan hastalarda görülen enfeksiyonlar ve mortalite oranları. Türk Mikrobiyoloji Cem Derg, 49(2).
- Yurdakul, E. S. (2019b). Kızılay’ın kuruluş dönemi (1877–1878 Osmanlı-Rus Savaşı): Cerrahi girişimler ve çeşitli yaralanmalarda mortalite oranları. Pamukkale Tıp Dergisi, 12(3).



### Transliteration

#### Başbakanlık Osmanlı Arşivi (BOA)

- Başbakanlık Osmanlı Arşivi (BOA), BEO 4049/300612, belge no: 3.  
Başbakanlık Osmanlı Arşivi (BOA), HR. SFR. (20), 123/4. Lef:1.  
Başbakanlık Osmanlı Arşivi (BOA), HR., SYS., 2413/60-1.  
Başbakanlık Osmanlı Arşivi (BOA), BEO 4049/300611, belge no: 18.

#### Türk Kızılayı Arşivi. Ankara, Turkey: Türk Kızılayı (TKA)

- Türk Kızılayı Arşivi (TKA), klasör no: 12, belge no: 108  
Türk Kızılayı Arşivi (TKA), klasör no: 137, belge no: 5  
Türk Kızılayı Arşivi (TKA), klasör no: 258, belge no: 2.1  
Türk Kızılayı Arşivi (TKA), klasör no: 280, belge no: 159  
Türk Kızılayı Arşivi (TKA), klasör no: 7, belge no: 8  
Türk Kızılayı Arşivi (TKA), klasör no: 72, belge no: 64  
Türk Kızılayı Arşivi (TKA), klasör no: 989, belge no: 2

#### Istanbul Turkish sources

- Ada, H. (2004), *The first Ottoman civil society organization in the service of the Ottoman state: The case of the Ottoman Red Crescent* (Osmanlı Hilal-i Ahmer Cemiyeti), (Master's thesis, Sabancı University).
- Ada, H. (2011), *Osmanlı Devleti'nin hizmetinde ilk modern Osmanlı sivil toplum örgütü: Osmanlı Hilal-i Ahmer Cemiyeti (1868–1911)*, (Unpublished doctoral dissertation, Marmara Üniversitesi Türkiyat Araştırmaları Enstitüsü, İstanbul).
- Ağanoğlu, H. Y. (2001), *Osmanlı'dan Cumhuriyet'e Balkanlar'ın makûs talihi göç*, İstanbul: Kum Saati Yayınları.
- Akgün, S. K., & Uluğtekin, M. (2000), *Hilal-i Ahmer'den Kızılay'a*, Ankara: Kızılay Yayınları.
- Aksöley, H. (2009), *Teşkilat-ı Mahsusa'dan Kuva-yı Milliye'ye*, İstanbul: Timaş.
- Armaoğlu, F. (1984), *Yüzyıl siyasi tarihi (1914–1980)*, (2nd ed.), Ankara: Türkiye İş Bankası Kültür Yayınları.
- Ataç, A. (2000), *Osmanlı Devleti'nde askeri sağlık hizmetleri*, In Osmanlı Devleti'nde Sağlık Hizmetleri Sempozyumu, Ankara.
- Ayaydın, R. (2016), *Birinci Dünya Savaşı'nda Osmanlı Devleti'nin İran'da Cihad-ı Ekber faaliyetleri*, (Master's thesis, İstanbul Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü, İstanbul).
- Barclay, T. (1912), *The Turco-Italian war and its problems*, London: Constable & Company Ltd.
- Bayar, C. (1967), *Ben de yazdım*, (Vol. 1, 2nd ed.), İstanbul: Baha Matbaası.
- Beehler, W. H. (2014), *Commodore, 1911–1912 Türk-İtalyan Savaşı (L. Yıldırım, Trans.)*, İstanbul: İlgü Kültür Sanat Yayınları.
- Besim, Ö. B. (1910/۱۳۲۸ —————), *IX Washington Salib-i Ahmer Konferansı'na memuriyetim ve Osmanlı Hilal-i Ahmer Cemiyeti'ne tekliflerim hakkında*, İstanbul.
- Çapa, M. M. (1990), *Balkan savaşında Kızılay (Osmanlı Hilâl-i Ahmer) Cemiyeti*, Ankara Üniversitesi Osmanlı Tarihi ve Uygulama Merkezi Dergisi (OTAM), (1).
- Çapa, M. M. (2010), *Kızılay [Hilâl-i Ahmer] Cemiyeti (1914–1925)*, Ankara: Türkiye Kızılay Derneği Yayınları.
- Çelebi, M. (2018), *Conkbayırı'nda Atatürk'ün hayatını kurtaran saat*, Belgi Dergisi, 2(16), Pamukkale Üniversitesi Atatürk İlkeleri ve İnkılâp Tarihi Araştırma ve

Uygulama Merkezi Yayınları.

Cemal Paşa, (1959), *Hatıralar*, (B. Cemal, Ed.), Selek Yayınları.

Dunant, H. (1964), *Bir Solferino hatırası*, (N. Arpacioğlu, Trans.), Ankara: Türkiye Kızılay Derneği.

Esenkaya, A. (2011), *Çanakkale muharebelerinde cephe ve cephe dışında sağlık hizmetleri*, Çanakkale Araştırmaları Türk Yıllığı, Bahar–Güz. Çanakkale: Çanakkale Onsekiz Mart Üniversitesi Atatürk ve Çanakkale Savaşları Araştırma Merkezi.

*Genelkurmay Askeri Tarih ve Stratejik Etüt Daire Başkanlığı Arşivi (ATASE)*, (n.d.). BDH, Kl. 4581, Dos. 8, Fih. 1–101; A, ds.153/21 (1915).

Gül Uluğtekin, M. (2013), *Osmanlı'dan Cumhuriyet'e Hilal-i Ahmer icraat raporları 1914–1928*, Ankara: Pulat Basımevi.

Halaçoğlu, A. (1995), *Balkan harbi sırasında Rumeli'den Türk göçleri (1912–1913)*, (2nd ed.), Ankara: TTK Yayınları.

Hanioğlu, M. Ş. (1989), *Kendi mektuplarında Enver Paşa*, İstanbul: Der Yayınları Bayar

Henri, C. (1964), *Milletlerarası Kızılhaç*, Ankara.

Hilal-i Ahmer, (1877/۱۲۹۴ ö), *Hilal-i Ahmer raporu, mecruhin ve mardayı askeriye imdat ve muavenet cemiyeti sabit ve seyyar hastaneleri*, (Vol. 3), İstanbul.

Holding, D. (2015), *Çanakkale acı ilaç 18 Mart 1915–9 Ocak 1916*, İstanbul.

İzgöçer, A. Z., & Tug, R. (2013), *Padişah'ın himayesinde Osmanlı Kızılay Cemiyeti (1911–1913 yıllığı)*, Ankara: Türk Kızılayı Yayınları.

Karal, E. Z. (1983), *Osmanlı tarihi*, (Vol. 5). Ankara: TTK.

*Kızılay ve Kızılhaç'ın milletlerarası kaynakları: Sözleşmeler, tüzükler, kararlar*, (1964), Ankara: Türkiye Kızılay Derneği.

Kuntman, M. D. (2010), *Bir doktorun harp ve memleket anıları*, (M. Özata, Ed.), Ankara.

Macar, O. D. (2010), *Balkan savaşları'nda salgın hastalıklar ve sağlık hizmetleri*, İstanbul: Libra Yayınları.

Macar, O. D. (2017), *Hilal-i Ahmer Cemiyeti'nin kurumsal tarihinde önemli bir deneyim: Trablusgarp savaşı (1911–1912)*, İstanbul: İstanbul Ticaret Üniversitesi, İnsan ve Toplum Bilimleri Fakültesi.

Midhat, A. (1879/۱۲۹6 ö), *Hilâl-i Ahmer*, İstanbul.

Missionary Herald, (1911), *Missionary Herald*, 107(12).

Noyan, A. (1956), *Son harplerde salgın hastalıklarla savaşlarım*, Ankara.

Öksüz, M. (2020), "İstanbul / Uzunçarşı yangını (1911) için Trabzon vilayetinden toplanan yardımlar", *Karadeniz İncelemeleri Dergisi*, vol.15, no.29, pp.121-148.

Ömer, B. (2009), *Hanımefendilere Hilâl-i Ahmer'e dair konferans*, (İ.

Hacıfettaoğlu, Ed.). Ankara: Türkiye Kızılay Derneği Yayınları.

Osmanlı Hilal-i Ahmer Cemiyeti (OHAC), (n.d.-a). *Salnamesi 1329–1331 H*, 26–27.

Osmanlı Hilal-i Ahmer Cemiyeti (OHAC), (n.d.-b), *Salnamesi 1330–1334 H*, no. 3, 15 Kasım 1916, s. 61–62.

Osmanlı Hilal-i Ahmer Cemiyeti (OHAC), (n.d.-c), *Salnamesi 1340 H*, 29.

Özaydın, Z. (1987), *Osmanlı Hilal-i Ahmer Cemiyeti Salnamesi*, (Unpublished M.A. dissertation), İstanbul Üniversitesi, İstanbul.

Özaydın, Z. (2002), *Osmanlı Hilâl-i Ahmer Cemiyeti'nin kuruluşu ve çalışmaları*, Türkler, 13. Ankara: Yeni Türkiye Yayınları.

Özbay, K. (1976), *Türk Asker Hekimliği Tarihi ve Asker Hastaneleri*, (Vol. 1, p. 84), Yörük Basımevi

- Ryan, C. (1962), *Kızılay emri altında Pilevne ve Erzurum'da (1877-78) (Osmanlı-Rus Harbi)*, İstanbul.
- Osmanlı Hilal-i Ahmer Cemiyeti (OHAC), (n.d.-b), *Salname (1913-1915)*, 34-35.
- Sari, M., & Doğan, C. (2023), *I. Dünya Savaşı'nda Hilâl-i Ahmer (Kızılay) Cemiyeti'nin Sivas'taki faaliyetleri*, Akademik Bakış, 17(33).
- Schindler, D., & Toman, J. (1988), *The laws of armed conflicts*, Martinus Nijhoff Publishers.
- Şerif, A. (1999), *Arnavutluk'da, Suriye'de, Trablusgarb'de Tanin*, (Vol. II, A. Ç. Börekçi, Ed.), Ankara: TTK.
- Sezer, C. (2014), *Hilâl-i Ahmer Cemiyeti Hanımlar Dâr-üs Sanâ'ası*, History Studies: International Journal of History, 6.
- Sezer, C. (2015). Çanakkale cephesinde sağlık kuruluşları ve Kızılay arşiv belgelerine göre Hilâl-i Ahmer Cemiyeti'nin faaliyetleri. *Uluslararası Tarih ve Sosyal Araştırmalar Dergisi*, 13.
- Shwerib, A. A. (1989). El-Hilalu'l Ahmar el-Osmani ve devruhu fi 'l Cihâdi'l Libî. Dar-ul Kutub El Vatanıyye.
- Şimşek, D. (2015). II. Abdülhamid dönemi Osmanlı Hilal-i Ahmer Cemiyeti'nin kuruluşu ve teşkilatlanması. *Turkish Studies International Periodical for the Languages, Literature and History of Turkish or Turkic*, 10(5).
- Tanin gazetesi. (1915, June 28), 2344, p. 3.
- Tetik, A., & Güzel, M. Ş. (2013). Kızılay ve Kızılhaç belgeleriyle Osmanlılara karşı işlenen savaş suçları (1911-1921). İstanbul: İş Bankası Yayınları.
- Tural, E. (2004). Türkiye, Hollanda, İngiltere ve Amerika'da modern itfaiye teşkilatının kuruluşu ve harik (yangın) nizamnameleri. *Çağdaş Yerel Yönetimler*, XIII(1).
- The Red Crescent*, (1974), Turkish Red Crescent General Headquarters, Ankara: Kızılay.
- Türkiye Hilal-i Ahmer Mecmuası. (1927). "Ellinci Yıl," 76, 140. İstanbul.
- Türkiye Kızılay Derneği. (1950). 73 yıllık hayatı 1877-1949. Ankara: Türkiye Kızılay Derneği Yayınları.
- Unat, E. K. (1987). Macarlı Dr. Abdullah Bey (Karl Eduard Hammerschmidt) ve Türkiye'deki çalışmaları. In A. Terzioğlu & E. Lucius (Eds.), *Türk-Avusturya tıbbi ilişkileri*. İstanbul.
- Uzluç, F. N (1964), *Kızılay Cemiyeti'nin kuruluşuna kısa bir bakış*, Ankara.
- Yıldırım, N. (2014). Savaşlardan modern hastanelere Türkiye'de hemşirelik tarihi. İstanbul: Vehbi Koç Vakfı.
- Yurdakul, E. S. (2019a). Kızılay'ın ilk hastaneleri (1877-1878): Yatan hastalarda görülen enfeksiyonlar ve mortalite oranları. *Türk Mikrobiyoloji Cem Derg*, 49(2).
- Yurdakul, E. S. (2019b). Kızılay'ın kuruluş dönemi (1877-1878 Osmanlı-Rus Savaşı): Cerrahi girişimler ve çeşitli yaralanmalarda mortalite oranları. *Pamukkale Tıp Dergisi*, 12(3).

## The Institutional and Functional Transformation of the Red Crescent Society in the Ottoman Empire until the End of the First World War

### Extended Abstract

**Introduction:** The continuous wars in Europe and humanitarian crises made establishing institutions a necessity to support the wounded and war refugees. The experience of Henry Dunant and the establishment of the International Committee for Aid to the Wounded (1864) inspired the formation of the Ottoman Red Crescent Society. This institution was the first relief organization in the Islamic world, operating based on the principles of the Red Cross but with its own distinct cultural-religious identity.

**Statement of the Problem:** The institutional and functional evolution of the Ottoman Red Crescent from the second half of the 19<sup>th</sup> century until the end of the First World War is an important example of civil institution-building in Islamic societies. Despite the historical significance and diverse functions of this society, analytical and interdisciplinary research on its formation and development is limited, and most existing studies are descriptive or historical.

**Research Objective:** The present study was an attempt to examine the process of formation, continuity, and development of the Ottoman Red Crescent Society and to analyze the role of the interaction between state policy, modernist intellectual currents, and Islamic traditions in its structure and functioning.

**Research Hypothesis:** The formation and continuity of the Ottoman Red Crescent were the product of the triple interaction between state policy, modernist thought, and Islamic traditions, as well as the experience of military crises, and broad social participation, creating an effective model for other countries in the Islamic world.

### Research Questions:

1. How did the interaction between state policies, modernist intellectual currents, and Islamic traditions facilitate the formation of the Ottoman Red Crescent?
2. How did military and social crises such as the Balkan Wars and the World War affect the structure and functions of the Society?
3. What roles did social participation, women, and educated classes play in the institutionalization process of the Red Crescent?

**Literature Review:** Existing studies include domestic and foreign historical sources, annual reports of the Society, and modern studies.

Historical works provide descriptive information, and contemporary researchers such as Akgün, Ada, and Özaydın have addressed historical and legal aspects. However, a systematic analysis of the institutional and functional evolution of the Ottoman Red Crescent remains a gap.

**Findings:** The formation of the Ottoman Red Crescent in the second half of the 19<sup>th</sup> century stemmed from social and military developments and the influence of Western medical teachings. A group of educated physicians, with the support of prominent political figures, established a committee in Istanbul to aid wounded soldiers, which later formed the foundations of the Ottoman Red Crescent Society. By drafting a charter that included relieving the pain of the wounded, training personnel, the presence of women, expanding activities to the provinces, and accepting the provisions of the Geneva and Paris conferences, this committee provided the first experience of modern civil and relief organization in the Ottoman Empire.

The first practical test of this institution occurred during the Ottoman-Russian War (1877–1878). The Red Crescent was able to establish 27 fixed and mobile hospitals and treated 39,000 patients. The use of modern surgical and anesthesia methods, aseptic dressing, and control of infectious diseases reduced post-surgical mortality and provided valuable experience in crisis management. Collecting financial aid from Muslims in India and North Africa, and in Turkey helped to provide necessary resources, although political limitations hindered the full development of the institution.

During the reign of Abdul Hamid II, the activities of the Red Crescent were restricted and its name was changed to the "Red Crescent Office." However, events such as the Greco-Turkish War (1897) and the great Aksaray fire in Istanbul (1911) caused this institution to be temporarily activated, and by forming emergency committees, providing food, shelter, and medical services, it rebuilt its operational capacity. This restructuring was accompanied by the establishment of women's branches, an independent budget, a designated activity center, and the training of medical elites, enabling the Red Crescent to consolidate its social and operational standing.

The Italo-Turkish War (1911–1912) was another critical test for the Red Crescent. Shortages of equipment, doctors, and nurses, the long distance for evacuating the wounded, and logistical constraints created serious challenges. However, by training local volunteers, establishing temporary treatment centers, and organizing public aid, providing relief to soldiers and civilians became possible, transforming the institution into an independent and credible organization in the

international arena.

The Balkan Wars (1912–1913) and the massive wave of refugees highlighted the role of the Red Crescent in managing humanitarian crises. An Immigration Administration was created, and in cooperation with the Red Crescent, the Ministry of Interior, and municipalities, it handled the settlement, provision of food and health services, and registration of refugees. Establishing equipped hospitals and treatment centers, implementing public vaccination programs, and combating infectious diseases provided valuable practical experience in organization and crisis management.

During the First World War, the Ottoman Red Crescent, with its integrated hospital system and adherence to Geneva standards, established treatment centers, bacteriological laboratories, and mobile hospitals behind the front lines. Despite enemy attacks and logistical problems, humanitarian crisis management and treatment of the wounded were carried out effectively. Findings show that the Ottoman Red Crescent, by training personnel, utilizing prominent physicians, organizing relief structures, and adapting international principles to local conditions, played a vital role in relief efforts and managing humanitarian crises, providing a successful model for similar institutions in the Islamic world.

**Conclusion:** The present research showed that the Ottoman Red Crescent, the first modern relief organization in the Islamic world, was the product of the interaction of state policies, Islamic traditions, and modernist movements, and it responded to urgent military and humanitarian needs. By creating relief networks, hospitals, and employing modern medical expertise, this institution was able to develop its capacities during the Balkan Wars, the Italo-Turkish War, and the beginning of the First World War. The role of women and educated classes, social participation, and the integration of relief work with cultural values strengthened the legitimacy and influence of the Red Crescent. Its experience showed that civil institutions can create professional, flexible, and effective organizations for crisis management, even within authoritarian and crisis-ridden structures.

**Keywords:** Ottoman, Red Crescent, 19<sup>th</sup> Century, Red Cross, First World War.